

سال دوم

جلسه ۷۲

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

سه شنبه ۹۰ / ۱۲ / ۹

این عناوین «حقائق حقیقه» [حقایق خارجی] هستند.

۱. گاه این حقایق تکوینی، از علت های تکوینی حاصل می شوند.

(معلول = تکوینی / علت = تکوینی)

مثل اینکه عطای خارجی، هبه خارجی را پدید می آورد.

۲. گاه تحقق تکوینی پیدا می کنند ولی از علت های «ادعایی»

(علت = اعتباری و ادعایی / معلول = تکوینی)

سابق بر این گفته ایم «علت اعتباری» باعث پیدایش معلول اعتباری می شود
و معلول تکوینی نمی تواند از «علت اعتباری» ناشی شود.
چراکه : وجود هر شیء، محتاج به علتی از سنخ خود آن شیء است. (سنخیت علت با معلول)
و لذاست : که این نظریه کامل نیست

ادله ای که بر بطلان عینی بودن «اعتبارات» اقامه شد، در اینجا هم جاری است

اما در قسم اول هم (علت تکوینی / معلول تکوینی) هم سخن ایشان کامل نیست.

چراکه : آن عطای خارجی بما هو فعل خارجی «علت» نیست

بلکه : عطای خارجی، ابراز کننده «ایجاد اعتباری نفسانی» است

جمع بندی
سوال ۴

اعتبارات عقلایی در «وعاء اعتبار عقلایی» موجود می شوند.

وعاء اعتبار عقلایی = «ذهن آن دسته از عقلاء که به آن اعتبار ملتزم شده و آن را پذیرفته اند»

پس : مادامی که گروهی از عقلاء باقی هستند، آن اعتبار نیز باقی است

سؤال پنجم:

اعتبارات عقلایی حقیقی حتما از «اعتبارات عقلایی انشایی» ناشی می شوند؟

۱. معمولا ابتداء اعتبار کننده ای معنایی را اعتبار می کند

اگر این اعتبار شخصی توسط جامعه عقلاء پذیرفته شود = به اعتبار عقلایی حقیقی تبدیل می شود
اگر این اعتبار شخصی توسط جامعه عقلاء پذیرفته نشود = به اعتبار عقلایی حقیقی منتهی نمی شود.
پس : همه اعتبارات عقلایی انشایی به اعتبارات حقیقی منتهی نمی شوند.

اعتبارات عقلایی:

۱. گاه «کلی» است: اصل ملکیت، اصل عقد بیع، اصل عقد بیمه..
۲. گاه «جزئی» است: ملکیت زید، بیعی که عمرو و بکر کرده اند، بیمه ماشین خالد)

۱. در اعتبارات عقلایی «کلی» :

حتماً باید ابتداءً یک نفر (شخص حقیقی مثل پیامبر یا شخص حقوقی مثل مجلس شورا) باید یک نوع اعتبار را جعل کند و بعد جامعه عقلاء آن را بپذیرد.

۲. در اعتبارات عقلایی جزئی:

- گاهی «اعتباری عقلایی انشایی جزئی» اصلاً وجود ندارد:

مثل اینکه وقتی پدر زید بمیرد، خود به خود زید مالک اموال او می شود.

- گاهی حتماً اعتبار حقیقی جزئی هم ناشی از اعتبار انشایی جزئی است

مثل اینکه زید اعتبار می کند، بیع کتاب خاصی را و جامعه عقلاء هم آن را می پذیرد.

اعتبارات عقلایی، عبارتند از : «موجودات اعتباری» که در وعاء اعتبار عقلایی به وسیله یک شخصی حقیقی یا حقوقی پدید می آیند

وجه تمایز این اعتبارات با اعتبارات شخصی در آن است که :

در به کار بردن اعتبارات عقلایی، «اراده استعمالی» و «اراده جدی»، با یکدیگر مطابق می باشند

اعتبارات عقلایی، خود به دو نوع «انشایی» و «حقیقی» تقسیم می شوند

اعتبارات عقلایی، الزاماً ناشی از «اعتبارات ادبی» نیستند

اعتبارات عقلایی، به سبب آنکه کاری عاقلانه هستند، نتها در صورتی موجود می شوند (اعتبار می شوند) که اثری بر وجود آنها مترتب می شود

جمع بندی

اعتبارات عقلایی، عمومی هستند : به این معنی که به یک نفر وابسته نمی باشند و مربوط به جامعه ای هستند که آن اعتبار در میان آنها موجود شده است

اعتبارات عقلایی، در ذهن مجموع عقلاء موجودند : و لذا تا وقتی که عده از مجموعه اعتبار کنندگان (آنان که آن را پذیرفته اند) باقی است و آن اعتبار را قبول دارند، «اعتبار عقلایی» می باشد

اصل و کلیت اعتبارات عقلایی حقیقی، از «اعتبارات عقلایی انشایی» پدید می آیند. ولی لازم نیست، جزئیات اعتبارات عقلایی حقیقی، ناشی از اعتبارات عقلایی انشایی باشند